



RAHA

Home  
Author Index

WORLD INDEPENDENT WRITERS' HOME

RAHA Charter - RAHA Membership - RAHA Book - Professional Literature - Literary Criticism - Opinion

Poetry - Short Story - Author Index - News - World-class literature - Letter to Editor - Interview

Writers in exile - Amateur literature - RAHA Gift - Link to RAHA - Frog Books - Contact Us

Opinion

Kabul Press, World Media Home

## خانه های امن زنان : نگاهی دیگر

### پروین اردلان



RAHA/7/May/2004

در دوازدهمین کنفرانس بنیاد پژوهش های زنان ایران که این بار در سوئد (استکهلم ، ۱۳۸۰) برگزار شد ، زنی به عنوان سؤال کننده پشت تریبون رفت و در حالی که شرکت کنندگان در انتظار شنیدن سخنان او نریاره ی مطالب ایراد شده بودند ، نمونه هایی از واژه هایی را نکر کرد که برخی از سخنرانان یا دیگر حاضران در سخنان خود به کار برده بودند : « کار سیاه ، شغل سیاه ، پول سیاه ... » و در ادامه ، از بی توجهی به خصالت های راسیستی در برخی واژه ها و به کار بردن آن ها در کنفرانسی تحت عنوان کنفرانس زنان انتقاد کرد... سارا را بار دیگر در برلین دیدم ، این بار منتقد به روایت راسیستی در خانه های زنان ، او و دو همکار آلمانی و یوگسلاویایی اش طرح چند ملیتی خانه های زنان را به دولت ارائه داده بودند ، و این طرح با موافقت دولت روهه رو شده بود . گر چه بحث چگونگی تأسیس خانه های امن زنان در ایران ، آن هم در فقدان قوانین کاربردی ، در حد بحثی صوری مانده است و بیشتر راه به جایی می برد اما در اروپا نزدیک به سه دهه است که چگونگی فعالیت خانه های امن زنان در تراوی آزمون و خطا فرار گرفته است . از آنجا که زنان خارجی رقم قابل توجهی از مراجعه کنندگان این خانه ها را تشکیل می دهند ، طرح دیگاه ها و نظرات زنان ایرانی و فعال در این عرصه ها به شناخت ما از فعالیت این خانه ها - لا اقل در سایر کشورها - کمک می کند . برخی از زنان ایرانی به دلیل تجربه ی فعالیت در خانه های امن یا در مراکز مرتبط با آن ها به ساختار برونی این خانه ها انتقاد دارند و برخی نیز می گویند با ایجاد و گسترش ارتباط با خانه های زنان ، به رفع کاستی های آن ها بپردازند. سارا نزدیک به بیست سال است در آلمان به سر می برد و حدود شش سال است که در خانه های زنان برلین فعالیت می کند . به گفته ی او : «طبق آمارهای موجود از هر سه زن آلمان ، یک نفر مورد ضرب و شتم شوهرش قرار می گیرد . در مورد خارجی ها آمار مشخصی وجود ندارد ولی حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد ساکنان خانه های زنان را زنان خارجی تشکیل می دهند» براساس آمارهایی که او نکر می کند ، می توان چنین گمان برد که زنان خارجی بیش از زنان آلمانی مورد خشونت قرار می گیرند اما سارا می گوید : «زنان آلمانی از امکانات مالی ، خانوادگی و شغلی بهتری برخوردارند ، می توانند به پلیس مراجعه کنند ، وکیل بگیرند و کمتر به خانه های زنان بروند . اما زنان خارجی یا خانواده ای ندارند و یا به خاطر محدودیت های فرهنگی و اجتماعی از حمایت آن ها برخوردار نیستند . اکثر آن ها کار نمی کنند ، زبان بلد نیستند ، اگر بخواهند جدا شوند برای اقامت مشکل دارند . بنابراین وقتی مورد خشونت قرار می گیرند بیش از زنان آلمانی به خانه های امن مراجعه می کنند . » تا یک سال پیش وقتی زنی با مردی ازبواج می کرد که اقامت آلمان را داشت ، حداقل سه سال طول می کشید تا به او هم اقامت دهند. بسیاری از زنان خارجی به خاطر نیاز به اقامت ، خشونت های تحمیلی شوهرانشان را تحمل می کردند . این مسئله با اعتراض زنان خارجی و فمینیست های آلمانی روهه رو و سرانجام در پارلمان مطرح و تعدیل شد ، به این ترتیب که مدت سه سال ، به دو سال کاهش یافت و زنانی هم که نتوانند ثابت شوهرانشان آن ها را کتک می زنند ، می توانند شخصاً تقاضای اقامت کنند و از حمایت خانه های زنان نیز برخوردار شوند... خانه های زنان مورد حمایت دولت هستند ، در آلمان هر خانه ای حدود ۱۰ تا ۱۳ کارمند دارد . کسانی که در خانه زنان کار می کنند باید سابقه کار در حوزه ی زنان را داشته باشند . زنی که مورد ضرب و شتم قرار می گیرد می تواند به طریق گوناگون به خانه های امن مراجعه کند ، او باید ابتدا تاییدی ی پزشک را بگیرد و آثار ضرب و شتم را به حداقل دو یا سه نفر نشان دهد . هر چه شاهد بیشتری داشته باشد امکان اثبات ادعایش بیشتر است . در کتاب های راهنمای تلفن هم شماره های مراکز گوناگون زنان موجود است و می تواند از این دفاتر کمک بگیرد . این دفاتر بیش از هر چیز به منظور کمک و حمایت از زنان خارجی شکل گرفته اند ، مثلاً در کانون پناهندهگان سیاسی ایران در برلین ، مرکز مشاوره ای برای زنان خارجی وجود دارد که مشاوره های لازم را در زمینه های حقوقی ، مشکلات خانوادگی و ... در اختیار زنان قرار می دهد و در صورت لزوم آنان را به خانه های زنان معرفی می کند . همین از فعالان این مرکز را در حالی می بینم که سراسیمه به زنی جوان که قصد فرار از خانه را دارد ، توصیه هایی می کند : « آرام باش و فکر کن ، اگر تصمیم گرفتی که بیایی ما حمایت می کنیم ، پاسپورت را فراموش نکنی ... » زن آن سوی خط تلفن است و مدام گریه می کند ، می ترسد و هنوز در تصمیم گیری مردد است اما سرانجام او را یک ساعت بعد می بینیم : « دیگه بر نمی گردم . » اما هنوز ترس او را همراهی می کرد: «شوهرم راننده تاکسی است ، می ترسم پیامم کند . » یک سال از زناشویی می گذرد و مرد مورد سوء استفاده های جنسی شوهرش فرار گرفته است. همین او را از طریق یک رابط دیدم ، یکی از خانه های امن معرفی می کند و در عین حال شرایط خانه های امن را به او گوشزد می کند : «امکانات خانه خود را ندارند ، باید توی یک اتاق با جمع زنکی کنی ، ممکن است احساس تنهایی کنی ...» همین از فعالان دفتر مشاوره زنان است و طبیعتاً با مشکلات زنان ایرانی آشناست : « با افزایش مهاجرت به آلمان مشکلات اصلی بسیاری از خانواده های ایرانی حل مشکل پناهنگی بود . در بدو ورود آن ها به آلمان شوهر محور خانواده بود ، اما به تدریج زنان سریع تر از مردان خوششان را با جامعه جدید تطبیق دادند ، زبان آموختند ، فرزندانشان را به مهدکودک بردند ، خرید کردند ، شغلی یافتند ... و به تدریج اداره ی امور خانواده را نیز در دست گرفتند و چون از حق پناهنگی هم برخوردار بودند ، نقش مردان کمرنگ تر شد و مشکلات خانوادگی شکل دیگری گرفت و تضادهای خانوادگی آغاز شد . زنی که در موقعیت برابر با شوهر قرار گرفته بود دیگر به او سروس می داد . بسیاری از تضادهای جدایی ها و اعمال خشونت های گوناگون بر زنان از نتایج این تغییر و تحولات در زندگی خانوادگی است . زنان به رغم برخورداری از حقوق اجتماعی برابر هنوز هم مورد خشونت قرار می گیرند . در حال حاضر مرکز مشاوره ی ما علاوه بر تشکیل گروه های خودیار از زنان خانه دار و طرح میباحث مربوط به زنان مانند تغذیه ، یاشگی ، افسردگی ، مشاوره های خانوادگی ، نمایش فیلم هایی درباره ی خشونت در خانواده ... به بررسی مشکلات روحی و روانی زنان می پردازد . مثلاً ما حداقل سه مورد زنانی را داریم که فرزندشان را شوهر زده و به ایران برده است و آن ها زیر فشار روحی قرار گرفته اند. «زنانی هم که تحت خشونت های جسمی و روانی قرار می گیرند از سوی این دفتر به خانه های زنان معرفی می شوند : «اکثر زنانی که در این زمینه به ما مراجعه می کنند تحت سوء استفاده های جنسی قرار گرفته اند ، مثلاً مردی برای ارضای جنسی خود زن چهل و دو ساله ی خود را وادار کرده بود که در انتظار صوم نیازهای جنسی او را برآورده کند و زن که سماعت می کرد به شدت کتک می خورد . او از جمله مواردی بود که به خانه ی امن معرفی نش کردیم . زنان حاصل از ازبواج پستی را نیز به این خانه ها معرفی می کنیم . بیشتر این زنان از سوء استفاده های جنسی قرار می گیرند . » همین نقش خانه های امن را در حمایت و یاری رسانی به زنان در اموری چون گرفتن وکیل ، طی کردن مراحل جدایی ، حل مشکلات اقامت ، و افزایش اعتماد به نفس در زنان ... و نقش دفاتری چون دفتر مشاوره زنان را در هدایت و راهنمایی زنان خشونت دیده به کانال های صحیح مؤثر می داند . جدا از مراکز مشاوره زنان ، شهرداری منطقه ی اداره ی پلیس از دیگر مراکز هستند که زنان می توانند به آن ها مراجعه و از خدمات آن ها استفاده کنند . زنان در مراجعه به این مراکز باید گزارش های خود را همرا داشته باشند ، چون تجربه نشان داده که شوهران شان گزارش نامه های آنان را بر می دارند و حتا از بین می برند . اگر زنی بچه دارد باید بچه را با خود به این خانه ها ببرد چون تا تصمیم داناگه هر دوی آن ها می توانند بچه را نزد خوششان نگه دارند . در این موارد فرقی نمی کند که شوهر آلمانی باشد یا خارجی . در مورد شوهر ایرانی این خطر وجود دارد که بچه را با خود به ایران باز گرداند. معمولاً زنان از یک ماه تا یک سال در خانه زنان می مانند. در واقع طبق طرح هر زنی حداقل ۶ ماه می تواند بماند اما معمولاً بیشتر می ماند چون هیچ کس را نمی توان از آن جابجی کرد. سارا گر چه نقش مثبت خانه های امن را در پیشگیری از خشونت علیه زنان انکار نمی کند ، اما انتقادهایی نیز به وضعیت خانه های زنان دارد : « طرح و ساختار خانه زنان طی گذشت زمان با توجه به فعالیت ها و خدمات مورد نیاز آن ها همواره در حال تغییر و تحول است ولی اساس این تغییرات و نیاز سنجی ها متناسب با نیاز های زنان آلمانی است . مثلاً پس زمینه ی این تفکر که در خانه ی زنان ،

زنان باید با هم زشکی کنند ، همبستگی داشته باشند ، تقسیم کار کنند ... از این واقعیت برخاسته است که زشکی فردی زنان آلمانی بر زشکی جمعی شان علیه دارد ، به اعتقاد آنان زشکی جمعی بر خانه ی زنان به آن ها اعتقاد به نفس می دهد . اما همین تعریف برای یک زن ترک یا فارسی که معمولاً از یک زشکی جمعی می آید و دلش می خواهد اتفاقی برای خودش داشته باشد ، تعریف مناسبی نیست . در واقع نمی توان همه را در یک قالب برد ولی اگر قدرت انتخاب برای زشکی فردی یا جمعی وجود داشته باشد ، صورت مسئله فرق می کند . برای برنامه ریزی در خانه ی امن زنان باید در مرحله ی نخست بدانیم که زن از چه خانواده و گذشته ای می آید. ما مسئول یاد دادن به آن ها نیستیم بلکه باید حمایتشان کنیم و البته یاد بگیریم که خواسته ها و آرزوهای مان را ظوری بر آن ها تحصیل کنیم که ناچار شوند خواسته هایشان را با ما تطبیق دهند . « به اعتقاد سارا به کارگیری زنان خارجی باید در دستور کار خانه های زنان قرار بگیرد : « اکثر برنامه ریزان خانه های زنان و نیز بیشتر تیم های کاری در خانه های زنان آلمانی هستند . آن ها به این واقعیت فکر نکرده اند که درصدی از زنان خارجی را در این گروه ها وارد کنند . وقتی یک زن خارجی مورد خشونت قرار می گیرد ، به شهرداری ، اداره پلیس ، خانه های زنان ... مراجعه می کند ، قلمه کله های لازم را می گیرد اما تجربه نشان داده که با برخورداری منفی هم رو به رو می شود . خیلی از زنان زنان آلمانی بلد نیستند ، نمی توانند خواسته های شان را به درستی بیان کنند و به همین دلیل با برخوردهای نا مناسبی مواجه می شوند. مثلاً از او می پرسند که چرا به کشورش بر نمی گردی؟ در صورتی که طرح این پرسش نه تنها از حوزه وظایف و اهداف خارج است بلکه مناسبات راسیستی را هم شدت می بخشد . اگر تیمی از زنان خارجی و آلمانی تشکیل شود ساختار این نوع مناسبات هم تغییر می کند . اگر زنان خارجی بتوانند به عنوان کارمندی خانه های زنان استفاده شوند ، همبستگی جنبش زنان ملل ، بیشتر می شود ، در واقع اگر در انتقاد به سیستم های پدر سالاری مشترک هستیم می توانیم در پروژه های زنان هم مشترک باشیم . خانه ی زنان باید خانه ای مستقل با مناسبات نموکراتیک باشد» او هم چنین درباره ی استقبال دولت آلمان از این امر می گوید : «خوشبختانه اکنون این مباحث از مباحث مطرح در اتحادیه ی اروپاست . اکنون اتحادیه اروپا برچند فرهنگی بودن مناسبات تکیه دارد و دولت آلمان ناچار است تا سال ۲۰۰۷ این روش را در مناسبات کاری خود بکنجاند ، در بین کشورهای اروپایی هلند اولین کشوری است که برنامه های چند فرهنگی در آن اجرا می شود و این کار برای جلوگیری از باز تولید مناسبات راسیستی از مهنکود ها ، اتحادیه های کارگری و سایر اتحادیه ها ، ... آغاز شده است از آن جا که آلمان خود را کشوری مهاجرپذیر نمی دانست ، به این مسئله اهمیت چندانی نمی داد ولی بعد از تصویب اتحادیه ی اروپا این مباحث را دنبال می کند ، سارا و دوستانش طبق طرحی که به دولت ارائه داده بودند ، به دنبال تأسیس خانه ای جدید با ساختاری جدید هستند : « ما در یک کشور چند ملیتی زشکی می کنیم ، پس باید ساختار نهادهایی چون خانه ی زنان هم ساختاری چند ملیتی داشته باشد . به اعتقاد ما همان طور که جنبش زنان در آلمان برای حضور درصدی زنان در نهادهایی چون دانشگاه ، پارلمان ... فشار می آورد چرا نباید حضور درصدی زنان خارجی را در خانه های زنان بپذیرد ؟ برخی از زنان آلمانی با این نظر موافق نیستند . البته در پاسخ مخالفتی نمی کنند اما در عمل موانع گوناگونی پدید می آید مثلاً می گویند زنان خارجی زبان نمی دانند در صورتی که زنان خارجی فعال در خانه های زنان علاوه بر زبان مادری خود ، زبان آلمانی را هم یاد گرفته اند و می توانند به زنان خارجی هم زبان خود که به خانه های زنان می آید ، کمک کنند . به تعبیر دیگر موانع زمانی پدید می آید که به عنوان یک زن خارجی می خواهد مستقل عمل کنی . این واقعیت تلخ را یکی از استادان دانشگاه آلمان که خوبی بیان کرده است ، او می گوید سخن گفتن از جنبش فمینیستی دلیل برفقدن نگرش راسیستی در این جنبش نیست ، در جنبش زنان ، زنانی می توانند از راسیسم دور شوند که خود را نقد کنند...» پروژه ی خانه های چند ملیتی زنان ، اول جولای ۲۰۰۱ فعالیت خود را آغاز کرد . در حال حاضر غیر از مسؤلان این پروژه ، دو ترک ، یک هندی ، یک لیتوانیایی ، دو آلمانی و یک شیلیایی در این پروژه همکاری می کنند . سارا اختلاف اساسی بین خانه های چند ملیتی با دیگر خانه ها را در نحوه ی برخورد با زنان خارجی می داند : «برخی از فمینیست های آلمان بر این باورند که زنان باید بتوانند روی پای خود بایستند یعنی تنهایی برای رفع نیازهای خود اقدام کنند در حالی که به اعتقاد من تنهایی صرف ، اندام قوی نمی کند . زنی که مورد تهاجم و خشونت قرار گرفته و با ترس و وحشت به خانه زنان پناه برده است ، به حمایت مداوم و برنامه ریزی شده نیاز دارد . او باید یاد بگیرد چگونه عمل کند ، به چه مکان هایی رجوع کند و چگونه حقوقش را بشناسد ، حال آن که دیدگاه غالب در خانه های زنان این است که وقتی زنی به خانه ها می آید باید تقسیم کار را یاد بگیرد ، مسئولیت پذیر باشد و در امور خانه مشارکت کند . به این ترتیب به دلیل بویجه ، برخی کارها را خودزنان انجام می دهند و علاوه براین مسئولیت پذیر می شوند . اما به نظر من زنی که به این جا می آید آن قدر درگیر مشکلات روحی روانی هست که وقت پرداختن به کارهای خودش را هم ندارد ، خانه ی زنان خانه ی آموزش نیست ، خانه ی حمایت است . برخی از زنان کرد و ترک عراقی از مناسبات یک جامعه ی بسته روستایی می آیند ، اصلاً سواد ندارند ، خیلی طول می کشد که زبان یاد بگیرند . وقتی یک زن خارجی به خانه امن می آید تمام مناسبات زشکی اش یعنی خانواده اش را از دست می دهد. وارد خانه ای می شود که نمی تواند دوستان یا خانواده اش را به آن خانه بیاورد . وارد خانه ای می شود که هم اتاقی های متفاوت دارد ، و اگر هم کسی بیشتر بماند هر روز شاهد هم اتاقی های جدید است. از نظر ما بهتر است نوع خانه ی زنان ، کوتاه مدت و بلند مدت برای زنان پیش بینی شود . اتاقی مستقل ، با دستشویی مستقل ، تلفن...» مسئولان طرح چند ملیتی خانه های زنان این نوع تقسیم بندی را در طرح خود کنجاندند . این که تا چه حد چند ملیتی بودن یک پروژه با مناسبات نموکراتیک و ضد راسیستی پیوند دارد ، به تجربه ای دیگر نیاز دارد و شاید به قول آن استاد دانشگاه به نگاه نقادانه به عملکرد خانه های چند ملیتی نیز. «سوئد کشور انجمن هاست ، هر چهار نفر می توانند یک انجمن تشکیل دهند و از خدمات دولتی استفاده کنند ، در حال حاضر زنان خارجی شکل های گوناگونی دارند ، در واقع هیچ خبری در جنبش زنان رخ نمی دهد مگر آن که زنان خارجی در آن حضور داشته باشند .» این گفته ی زنی ایرانی است که ارتباط مستقیمی با خانه های زنان دارد . لیلی حدود ۷ سال است که به یاری دیگر دوستان ایرانی و سوئدی اش انجمن و رادیویی را برای زنان راه اندازی کرده است . این انجمن پس از مدتی برای فعالیت گسترده تر به شبکه ی زنان تغییر شکل داد . لیلی مسئول هماهنگی این شبکه است . او در سال ۲۰۰۰ به این دلیل که زشکی خود را وقف انسان های تحت ستم کرده بود به عنوان بهترین شهروند سوئد برگزیده شد . لیلی هدف از تأسیس این شبکه را ارتقای آگاهی زنان ، جلوگیری از ترویج نقش های سنتی زن آن هم در جامعه ای با مناسبات مردن ، و یاری رساندن به زنانی می داند که مورد خشونت قرار می گیرند . از او می پرسیم : «نقش اداره امور اجتماعی ، پلیس ، خانه های امن و ... در این زمینه چیست ؟» می گوید : « ما نمی خواهیم جای اداره امور اجتماعی یا خانه های زنان را بگیریم ، ما قصد نداریم خانه های امن زنان را متناسب با ملیت هایشان یا هم جدا کنیم ، زنی که مورد خشونت قرار می گیرد جدا از فرهنگ و ملیتش با زنان دیگر از ملیت های دیگر مشترک است . اما نا آشنایی زنان با خانه های امن از یک سو و نقش خانه های زنان از سوی دیگر قابل تامل است . ما در این زمینه به صورت رابط عمل می کنیم و پیشگیری کننده هستیم .» شبکه ای که لیلی در آن کار می کند با مرکز بحران های زنان که خانه امنی دولتی است ، ارتباط مستمر دارد. لیلی وجود شبکه های امنی از این دست را در آشنا کردن زنان به خانه های امن مؤثر می داند : « ما زنان جوان زیادی داریم که پس از ازدواج های وکالتی با خشونت های جنسی و جسمی از سوی شوهران شان رو به رو هستند اما می ترسند که به خانه های امن مراجعه کنند . طبق قوانین سوئد اگر شوهری بخواهد بر خلاف میل همسرش با او ارتباط زناشویی داشته باشد ، این عمل او تجاویز محسوب می شود و جرم است و زنان می توانند به صورت احوال هر نوع خشونتی از این دست به خانه های امن پناه ببرند . اما گاه برخی مردم مراجعه به خانه های امن را ناپسند می دانند و می گویند تنها زنان روسپی به این مراکز مراجعه می کنند در صورتی که زنی که کتک می خورد نه تنها مقصر نیست که مورد خشونت هم قرار گرفته است . این تفکر سنتی را که زن باید در خانه بماند و سکوت کند باید کنار گذاشت . کار شبکه ما فعالیت علیه چنین جوی است .» شبکه زنان می کوشد زنان را با فعالیت نهاد های اجتماعی آشنا کند : « زنی به اداره امور اجتماعی رفته بود و به آن ها گفته بودند چرا ما به مملکت خودتان آورده آید ؟ من می روم و همه جا می گویم که من از شوهرم جدا شده ام و این ها به من پول و خانه نمی دهند . در صورتی که باید از آن ها خواست تا نسبت به وضعیت او احساس مسئولیت کنند . ما می کوشیم با اطلاع رسانی از طریق رادیو ، مشاوره ، برگزاری میزگردهای حقوقی و ... آنان را با فعالیت و نقش نهادهایی از این دست آشنا کنیم و در صورت لزوم آنان را به خانه های زنان معرفی کنیم .» لیلی نیز با برخی مشکلات خانه های زنان و کارکرد آن ها آشناست اما این مشکلات را بیش از همه برآیند نگاه جنبش زنان سوئد نسبت به زنان خارجی می داند : « خانه های زنان امکان خوبی برای زنان خشونت دیده هستند ، اما کسانی که در این خانه ها کار می کنند باید بیشتر درباره زنان خارجی بدانند ، ملیت های بیشتری را بشناسند و درک بهتری نسبت به مسائل زنان خارجی داشته باشند که متأسفانه چنین نیست ، به همین دلیل بخش مهم کار ما نقد جنبش زنان در سوئد است . شعار جنبش زنان سوئد « نصف قدرت ، همه حقوق » است . اما پرسش ما این است که چرا نسبت به زنان خارجی چنین نگاهی ندارند ؟ سوئد بیشترین تعداد زنان را در پارلمان دارد اما هنوز وضعیت زنان خارجی دغدغه اش نیست و این با جنبش زنان مغایرت دارد . از این روی ما علاوه بر خدمات رسانی به زنان در حوزه ی اجتماعی ، به نقد دولت سوئد ، جامعه ی سوئد ، جنبش زنان به لحاظ سیاسی نیز می پردازیم . ما می خواهیم چشم جنبش زنان را بر وضعیت زنان خارجی در سوئد باز کنیم» پا نوشت : کنفرانس بنیاد پژوهش های زنان بیش از یک دهه است که هر سال در یک کشور و توسط کمیته ای محلی برگزار می شود . در این کنفرانس مسائل زنان مورد بحث قرار

مي گيرد. رئيس اين بنياد گنار امين و مرکز آن در آمريکاست.

As the mind has no boundaries, the RAHA concept does not have frontiers and is opposed to information and cultural control by global communication entities whether media conglomerates, states or local governments, or religions

**RAHA- World Independent Writers' Home**

---

Copyright© RAHA- World Independent Writers' Home 2000-2004/ Authors

